

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۱ اگست ۲۰۲۲



یونس نگاه

استقلال محصول آزادی

امسال، بیست و چهارم ماه اسد را طالبان روز «استقلال» افغانستان اعلام کردند و چهار روز بعد، در ۲۸ اسد، غیرطالبان با یادآوری اتفاقی که ۱۰۳ سال پیش در کشور رخ داده بود، استقلال وطن را در افغانستان پنهانی و در دنیای مجاز و خارج از کشور آشکارا، تجلیل کردند. با این حال همه، حتا طالبان می‌دانند که کشور استقلال ندارد. این تجلیل‌ها، در واقع ادعای تلاش برای استقلال است. طالبان می‌دانند که کشور بعد از ۲۴ اسد پارسال نیز با دستور و حمایت مشاوران خارجی اداره می‌شود، حریم فضائی ندارد، مرزهایش در اختیار اداره داخلی نیست، مکتوب اداره حاکم در کابل، بیرون مرزها نمی‌چلد و این‌گونه از ابتدائی‌ترین ویژگی‌های کشور مستقل محروم است. باوجود این وضعیت، آنان تلاش‌شان را برای گرفتن اداره کشور و تاریخ تحویل‌گیری ارگ را روز استقلال اعلام می‌کنند. مخالفان طالب نیز می‌دانند که از صد و چند سال پیش تا امروز، افغانستان میدان تهاجم تمام زورمندان جهان و منطقه بوده است؛ اما تلاشی را که یک قرن پیش برای گرفتن اداره کشور انجام شد، قابل تقدیر و الگو می‌شمارند؛ با این تفاوت که در آن زمان غیر از استقلال سیاسی، تلاش‌های بسیار برای تقویت بنیاد استقلال، یعنی آزادی نیز انجام شد.

در این بیش از یک قرن زمانی که مردم ما درگیر تجلیل استقلال و نزاع بر سر آن بوده‌اند، جهان چنان تغییر یافته که به نظر می‌رسد دوران استقلال به سر رسیده و افغان‌ها هرگز از نعمت استقلال به آن مفهوم قرن بیستمی برخوردار نخواهند شد. حالا نمی‌شود با بلند کردن شمشیر، خواندن اعلامیه و راندن عساکر یک کشور متجاوز ادعای استقلال کرد. امروز مثل آن زمان، مرز بین کشورها وجود ندارد، پاسپورت‌ها در بیشتر بخش‌های کره زمین رنگ باخته، غرور ملی نشانه حماقت پنداشته می‌شود، جنگ با «بیبگانگان» هرچند هنوز رونق دارد، اما به‌طور وسیع در سراسر جهان تقبیح می‌شود و نشانه عقب‌ماندگی و جهالت شمرده می‌شود. حتا گذشته تاریخی، هویت ملی، زبان و نژاد، که در گذشته ابزار تحکیم استقلال خوانده می‌شدند و دولت‌ها هنوز می‌کوشند خود را به آن تارها بیاویزند، دیگر خریدار چندانی ندارند.

اما آیا استقلال از جهان رخت بر بسته است؟ نخیر. استقلال رنگ بدل کرده، رخت بر بسته است. استقلال هنوز مهم و خواستنی است؛ ولی مهم‌ترین عنصر استقلال، آزادی است. تنها با بستن مرزها و در اختیار گرفتن اداره چند میلیون انسان و ارسال نماینده به گوشه و کنار جهان، نمی‌توان به استقلال رسید. برای آن‌که در جمع ملت‌های صاحب استقلال شمرده شویم، باید به ظرفیتی دست یابیم که منافع جمعی‌مان را با ایزاری چون دانش، اقتصاد و تکنالوژی تأمین بتوانیم. برای داشتن این ظرفیت نیازمند نیروی بشری هستیم که تنها دانش کسب نکنند، بلکه آن را تولید نیز بتوانند؛ تنها کاربران تکنالوژی نباشند، بلکه سازنده و مخترع آن‌ها نیز باشند و در اقتصاد نیز تنها مصرف‌کننده نباشند، بلکه تولید هم بتوانند. داشتن چنین نیروی بشری، بدون آزادی میسر نیست. از این‌رو شایسته است که بگوئیم استقلال، محصول آزادی است.

درک درست و به‌روز از استقلال مهم است. استقلال افغانستان از جنگ با امریکا یا خصومت با پاکستان به‌دست نمی‌آید، بلکه با گشودن زنجیر از دست مردم افغانستان و دور کردن دُره و تفنگ از بیخ گوش زنان و مردان سرزمین ما که فرصت نفس کشیدن و بهره گرفتن از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی را ندارند، میسر می‌شود. دشمن اصلی استقلال افغانستان آنانی‌اند که مکتب را به روی فرزندان ما می‌بندند، تفریح را تکفیر می‌کنند، کار را خوار می‌شمارند و آزادی‌های مدنی را فساد می‌خوانند. مردم افغانستان باید از استعمار افراطی‌هایی که خودشان را نمایندگان خدا می‌دانند، رها شوند تا حق انتخاب لباس را داشته باشند، اداره ریش‌شان را به‌دست گیرند، صلاحیت انتخاب شغل داشته باشند، جنسیت‌شان مانع سفر نشود و هیچ امیر و گروهی نتواند مکتب را به‌روی‌شان بسته کند و نصاب دانشگاه‌شان را به دلخواه خود تغییر دهد.